

تحلیلی بر روند جغرافیای اقتصاد آذربایجان

دکتر یعقوب برزگر

فعالیت های اقتصادی انسان در ارتباط با محیط طبیعی، محور اصلی مطالعات جغرافیای اقتصادی را تشکیل می دهد. بدون هیچ گونه تردیدی اوضاع طبیعی و جغرافیایی هر کشوری اعم از موقعیت جغرافیایی، توپوگرافی، دوری و نزدیکی به دریاها، منابع معدنی، جنگل ها، چشم انداز های طبیعی و . . . همراه با عوامل دیگری همچون انسانهای کار آمد و لایق (مدیریت) و مجهز به تکنولوژی و نظام های سیاسی موجود هر کشوری تاثیر قطعی و مطلق در سرنوشت اقتصادی و اجتماعی و ثبات استقلال سیاسی همان کشور خواهد داشت. همچنین کشورهاییکه از لحاظ اقتصادی، دارای پشتوانه اقتصادی قوی بوده و هستند از لحاظ سیاسی نیز همچون آمریکا و اکثر کشورهای اروپای غربی و . . . قدرتمند بوده و تاثیر گذار در جریانات بین المللی می باشند. در حقیقت مصداق جمله، سیاست قوی مستلزم داشتن پشتوانه اقتصادی قوی می باشد.

موقعیت جغرافیایی و طبیعی شمالغرب کشور نیز به علت ویژگیهای خاص و منحصر به فردش از زوایای مختلفی قابل نقد و بررسی بوده و می باشد، به طوریکه وجود عوامل طبیعی نسبتا مساعد جغرافیایی از قبیل (اقلیم - منابع آبی - منابع معدنی - خاک - پوشش گیاهی و . . .) همراه با موقعیت ژئوپولتیکی خاص این منطقه به لحاظ هم مرز بودن این منطقه با چهار کشور خارجی و همچنین سایر عوامل دیگر موقعیت اقتصادی و سیاسی ویژه ای به منطقه آذربایجان بخشیده است، اما به رغم این همه پتانسیل های موجود، آذربایجان نتوانسته است جایگاه مطلوب و حقیقی خود را در سطح کشور پیدا نماید که مسلما عوامل

مختلف تاریخی، اجتماعی، سیاسی و نظام های سیاسی، جنگهای تاریخی و . . . در طی دوره های مختلف زمانی، در این امر دخیل بوده و هستند که باید مورد بحث و بررسی قرارگیرند. خلاصه ای از عوامل تاریخی، اجتماعی، سیاسی تأثیر گذار عبارتند از:

۱.) شاخه ای از شاهراه تجاری و بازرگانی جاده ابریشم که شهرهای تبریز و خوی نیز واقع در مسیر این شاهراه بودند که بالطبع از لحاظ تجاری و بازرگانی در رونق و توسعه اقتصادی این شهرها و شهرهای تحت حوزه نفوذ آذربایجان نقش مهمی را ایفا می نمود، به طوری که شهر تبریز از لحاظ تجاری و بازرگانی نه تنها در سطح کشور، بلکه در مقیاس بین المللی نیز با شهرهای بزرگ و مهمی همچون استانبول، مسکو، قاهره، لندن، پاریس و . . . ارزیابی می گردید و به رقابت می پرداخت. مطالب سفرنامه های سیاحان نیز در رابطه با تبریز و سایر شهرهای آذربایجان نیز موید این مطلب است که با بسته شدن این شاهراه تجاری و بازرگانی، ارزش و منزلت اقتصادی و سیاسی این شهرها نیز افت پیدا می نماید.

۲.) بازرگانی خارجی آذربایجان و تبریز در درجه اول با کشورهای عثمانی و روسیه تزاری بود که با حفر و افتتاح کانال سوئز در سال ۱۸۶۹ م. شهر تبریز موقعیت ارتباطی خود (دروازه ایران به اروپا) را از دست داد. در نتیجه این عامل نیز از عوامل اصلی و تأثیر گذار بر رکود اقتصادی شهرهای آذربایجان می باشد.

۳) اشغال آذربایجان توسط نیروهای دولت عثمانی در دسامبر ۱۹۱۴ م. (جنگ جهانی اول) و اشغال شهر تبریز در سال ۱۹۱۵ م. و به تبع آن جنگ ما بین نیروهای عثمانی و روسی در آذربایجان روی هم رفته از عوامل دخیل در عدم توسعه اقتصادی شهرهای آذربایجان در آن برهه زمانی بوده اند.

۴.) انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ م. روسیه (شرایط بحرانی) نیز با مسدود نمودن راه بازرگانی تبریز و آذربایجان به شوروی، ضربات اقتصادی دیگری بر پیکره آذربایجان و علی الخصوص شهر تبریز وارد ساخت. به طوری که قبلاً بیشترین صادرات و واردات ایران از آذربایجان و از طریق راه روسیه انجام می گرفت که بعد از انقلاب

اکتبر ۱۹۱۷ م. این شاهراه تجاری - بازرگانی بسته شده و اروپائیان از طریق خلیج فارس کالاهای خود را به ایران وارد نموده و همچنین ایران نیز از همین طریق اقدام به صادرات و واردات می نماید که در ارزیابی کلی منجر به این می گردد که آذربایجان و تبریز مرکزیت تجاری کشور را از دست بدهد.

۵. در رابطه با انقلاب مشروطیت (۱۲۸۵ هجری شمسی) صرفنظر از رویدادهای سیاسی آن زمان گفتنی است وجود جنگ و ستیز میان نیروهای مردمی و دولت و حمله نیروهای دولتی و در محاصره قرار گرفتن شهر تبریز در سال ۱۲۸۷ هجری شمسی و بروز قحطی و گرسنگی ناشی از محاصره نیروهای دولتی و همچنین بروز جنگ خونین بین مجاهدین و روس ها در سال ۱۲۹۰ هجری شمسی در شهر تبریز (محاصره تبریز توسط روس ها) باعث نا امنی و رکود اقتصادی تبریز و به تبع آن سایر شهرهای آذربایجان در آن مقطع زمانی می گردد.

۶. اشغال آذربایجان در سال ۱۹۲۰ میلادی از طرف نیروهای روسی و همچنین بمباران شهر اورمیه نیز به نوبه خود تأثیر گذار بر رکود اقتصادی شهرهای آذربایجان در آن برهه زمانی بوده اند.

۷. قبل از روی کار آمدن سیستم نظام سرمایه داری و تمرکز قدرت و سرمایه در پایتخت (تهران)، تمامی چهار ایالت موجود در سطح کشور و همچنین ایالت آذربایجان به مرکزیت تبریز از استقلال اقتصادی و اجتماعی برخوردار بودند. بدین معنی که تمامی شهرهای ایالت آذربایجان از لحاظ اقتصادی و اجتماعی (دادوستد اقتصادی) در ارتباط با مرکز ایالت یعنی شهر تبریز بوده اند و یک روابط ارگانیکی منسجم ما بین شهرهای ایالت آذربایجان برقرار بوده و در واقع ایالات مذکور از یک استقلال اقتصادی و اجتماعی برخوردار بوده اند و از هر جهت به نفع این ایالات بوده است و پایتخت صرفاً، از نکته نظر سیاسی بر ایالات چهارگانه برتری داشته است. در کل این سیستم به لحاظ شبه فدرال بودن (سیستم برنامه ریزی غیر متمرکز) به نفع ایالات تمام می گردید که با روی کار آمدن رضا خان پهلوی و نفوذ سیستم سرمایه داری و

تمرکز مداری قدرت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و غیره در تهران، ارزش و منزلت ایالات مذکور دچار رکود می‌گردد و به تبع نفوذ این سیستم در کشور و همچنین افکار و گرایش‌های بدبینانه رضا خان به ملت آذربایجان، از هر جهت به عقب ماندگی اقتصادی و اجتماعی شهرهای آذربایجان منجر می‌گردد. از لحاظ اجتماعی نیز باعث مهاجرت ساکنین این منطقه به تهران و کرج و سایر شهرهای کشور می‌گردد که این عامل مهاجرت نیز به نوبت خود از زوایای مختلف اجتماعی قابل نقد و بررسی بوده و می‌باشد.

۸. تشکیل فرقه دموکرات آذربایجان در سال ۱۳۲۵ هجری شمسی مبنی بر خود مختاری آذربایجان نیز نقطه عطفی در تاریخ سیاسی و اقتصادی آذربایجان قلمداد می‌گردد. صرفنظر از ارائه و انجام برخی از اصلاحات سیاسی، اجتماعی، مدنی و اقتصادی از طرف حکومت ملی آذربایجان در منطقه آذربایجان و (حتی ایران) و چالش‌های موجود میان تبریز و تهران و همچنین گرایش به حرکت‌های استقلال طلبانه و مبارزه با تمرکز گرائی حکومت مرکزی و تأثیرات آن بر روی سایر مناطق پیرامونی کشور، حکومت مرکزی را تحریک به تدارک حمله گسترده و تلاش برای سرکوبی حرکت‌های استقلال طلبانه می‌نماید که نهایتاً موفق به این امر نیز می‌گردد. لذا رعب و وحشت ناشی از حمله نیروهای حکومت مرکزی و قتل و غارت مردم آذربایجان توسط نیروهای حکومت مرکزی زمینه را برای مهاجرت قشر عظیمی از مردم آذربایجان به جمهوری آذربایجان کنونی و همچنین سایر شهرهای کشور (تهران، کرج، و غیره) فراهم می‌آورد که در ارزیابی کلی تمامی عوامل فوق و اثرات ناشی از آن و عدم اعتماد و اطمینان و نگرش‌های بدبینانه و مغرضانه دولت مرکزی برای سرمایه‌گذاری در آذربایجان، مقدمات رکود همه جانبه و علی‌الخصوص عدم توسعه اقتصادی شهرهای آذربایجان را فراهم می‌نماید.

۹. اصلاحات ارضی ۱۳۴۱.ش نیز به نوبت خود با درهم ریختن نظام ارباب - رعیتی سابق در سطح روستاها و با عنایت به اینکه منطقه آذربایجان از لحاظ اقتصادی، بیشتر کشاورزی و دامداری عمل می‌نموده که بعد از اصلاحات ارضی نقش و اعتبار مقام کشاورزی دچار افت مقطعی می‌گردد، لذا با ماشینی

شدن فعالیتهای کشاورزی و با گسترش صنایع مونتاژ و فعالیتهای کاذب خدماتی و سایر فعالیت هادر تهران و شهر های بزرگ کشور، زمینه را برای مهاجرت قشر عظیمی از ساکنین بیکار منطقه آذربایجان پدید می آورد. به طوری که با مقایسه آمار های جمعیتی طی ۴ دهه اخیر به راحتی می توان ادعا نمود که بیشترین مهاجرین و نیروی فعال اقتصادی وارده به تهران را آذربایجانیها تشکیل می دهند که بالطبع مهاجرت نیروی کاری و فعال اقتصادی از منطقه آذربایجان زمینه را برای تضعیف و رکود اقتصادی شهرهای آذربایجان تحت الشعاع خود قرار می دهد.

۱۰. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۵۷) و همچنین با شروع جنگ تحمیلی عراق بر علیه ایران، منطقه آذربایجان به لحاظ ژئوپولیتیکی و نزدیکی به مواضع دشمن و همجواری ضلع غربی آذربایجان با کشور متجاوز عراق و همچنین وجود جنگ و ناامنی های نسبی و ناشی از فشار گروهکهای مخالف موجود در سطح منطقه و خسارت های ناشی از جنگ و بمباران شهر های آذربایجان همچون (اورمیه، سردشت، پیرانشهر، میاندوآب و...) با دلالت بر رکود اقتصادی شهر های آذربایجان زمینه لازم را برای مهاجرت و فرار سرمایه گذاران بومی به سایر نقاط کشور علی الخصوص تهران و کرج و سایر شهر های مناطق مرکزی مهیا می نماید. در کل وجود جنگ و پیامد های ناشی از آن نیز، به رکود اقتصادی شهر های آذربایجان می انجامد.

۱۱. در کل اهم دلایل مهاجرت از منطقه آذربایجان بیشتر انگیزه و جنبه های اقتصادی داشته و دارد و خواهد داشت، همچنین نقش نظامهای سیاسی و نگرشهای دولت مبنی بر سرمایه گذاری نیز در این راستا بی تأثیر نبوده و نمی باشد. به طوریکه میزان سرمایه گذاری و تأسیسات زیر بنایی موجود در منطقه آذربایجان به هیچ وجه توانایی رقابت با مناطق مرکزی کشور همچون اصفهان، یزد، اراک، تهران، و... را نداشته و ندارد و تجارب حاصله نشان می دهد که سرمایه گذاری در سایر مناطق با عنایت به سیاست های اتخاذ شده از طرف دولت (سیاستهای اقتصادی)، اقتصادی تر و مقرون به صرفه تر از منطقه آذربایجان می

باشد. لذا گرایش به سرمایه گذاری در خارج از چهارچوب آذربایجان تشدید می یابد. همچنین در ارزیابی اقتصادی، با عنایت به سیاستهای غلط اقتصادی، کالاهای تولید منطقه شمالغرب (عمدتا محصولات کشاورزی، دامی، معدنی، صنایع دستی و...) توانایی رقابت با کالاهای صنعتی و سود آور سایر مناطق و به خصوص مناطق مرکزی و پایتخت را ندارد. لذا عوامل مختلفی در رابطه با مبحث مهاجرت وجود دارد که به اختصار به مهمترین عوامل دخیل پرداخته شد.

۱۲). ضعف مسئولین اجرایی و ذریبط و عدم هماهنگی و همکاریهای لازم مابین ارگانهای مختلف در منطقه آذربایجان در جهت جذب بودجه به منظور سرمایه گذاری نیز به نوبت خود در ضعف ساختار اقتصادی منطقه آذربایجان بی تأثیر نبوده است.

موقعیت جغرافیایی و طبیعی آذربایجان و ویژگیهای موجود در آن به لحاظ چشم اندازهای طبیعی، خاکهای حاصلخیز و رسوبی، اقلیم نسبتا مساعد، منابع آبی نسبتا غنی، منابع معدنی و... مبین پتانسیل های اقتصادی بالای منطقه آذربایجان می باشد. به طوریکه وجود دشتهای و جلگه های حاصلخیز رسوبی موجود در سطح منطقه همچون (دشت مغان، دشت سولدوز، جلگه میاندو آب و...) همراه با رودخانه های پر آب و مهمی همچون (آراز، تاتائو، جیغاتو، گادار، قزل اوزن، نازلو چای و...) به عنوان یکی از پر آب ترین مناطق ایران، این منطقه را به عنوان یکی از قطبهای کشاورزی موجود در سطح کشور مطرح می نماید.

به طوریکه از نکته نظر سطح تولیدات برخی از محصولات همچون (سیب، انگور، چغندر قند و...) در بعضی از نقاط آذربایجان همچون دشت مغان، جلگه میاندو آب، دشت سولدوز، جلگه اورمیه و... نه تنها در سطح کشوری، بلکه در سطح و مقیاس بین المللی و جهانی نیز در جایگاه ممتازی قرار دارند.

وجود اقلیم و میزان بارندگی مناسب همراه با مراتع نسبتا غنی، زمینه را برای پرورش و گسترش دامداری و دامپروری مهیا نموده است. به طوری که منطقه آذربایجان در سطح کشوری با داشتن بیشترین تعداد دام و

سطح تولیدات دامی و لبنی در جایگاه نخست قرار دار. همچنین بر اساس آمارهای منتشره از طرف وزارت جهادکشاورزی در طی ۲۰ سال اخیر و نیز مقایسه آمارها به این نکته پی می بریم که از نکته نظر سطح تولیدات کشاورزی و دامی، منطقه آذربایجان از لحاظ کمی و کیفی از رشد قابل ملاحظه ای برخوردار بوده است.

وجود چشم اندازها و جاذبه های منحصر به فرد طبیعی (اکوتوریستی) همراه با سابقه تاریخی غنی و وجود بناها و قلعه ها و تپه ها و اماکن باستانی فراوان، از دیگر قابلیت های ویژه و منحصر به فرد منطقه آذربایجان می باشد. وجود دریاچه اورمیه همراه با جزایر دیدنی و سواحل زیبای طبیعی و بکر آن و همچنین ارزش اقتصادی به لحاظ توریستی، درمانی، آرمیا و . . . از هر جهت از پتانسیل های بسیار بالای اقتصادی و توریستی آن حکایت دارد. در جهان امروزی که صنعت گردشگری از مهمترین منابع درآمد ارزی بسیاری از کشورها به حساب می آید، لذا در صورت توجه و عنایت به ویژگیهای طبیعی (دریاچه اورمیه، غار سهولان، کوهها و دامنه های برفگیر سهند، سبلان و . . .) و همچنین ویژگیهای تاریخی منطقه آذربایجان (تپه حسنلو، گوی تپه، قلعه بابک، تخت سلیمان و . . .) و با عنایت به هم مرز بودن این منطقه با چهار کشور خارجی به لحاظ جذب توریست و با توجه به مشترکات تاریخی، زبانی، فرهنگی، دینی، مذهبی و غیره با کشورهای همسایه، می توان با گسترش و اشاعه فرهنگ توریست پذیری و تشریح اثرات مثبت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی آن در بین عامه جمعیت و همچنین با اخذ بودجه و سرمایه گذاری در تسهیلات صنعت گردشگری در آمد ارزی منطقه را تا حد قابل توجهی افزایش داد.

وجود منابع معدنی غنی و سرشار از مس، طلا، آهن، جیوه، زغال سنگ، گچ، سنگهای تزئینی، گرانیت، مرمر و سایر منابع معدنی موجود از دیگر پتانسیل های اقتصادی واقع در سطح منطقه می باشد که بر خلاف این همه ثروتهای طبیعی و خدادادی، به لحاظ عدم مدیریت صحیح و سیاستهای کاملا غلط

اقتصادی، بلا استفاده و یا در صورت استفاده، درآمدهای ناشی از صدور منابع معدنی آذربایجان در خارج از چهارچوب منطقه آذربایجان سرمایه گذاری گردیده اند.

موقعیت ژئوپولتیکی منطقه آذربایجان به لحاظ همجواری با کشورهای اروپایی همچون جمهوری آذربایجان و ارمنستان و همچنین کشورهای ترکیه و عراق، یکی دیگر از قابلیت های اقتصادی در خور توجه این منطقه می باشد. موقعیت ترانزیتی آذربایجان به اروپا (دروازه ایران به اروپا) در صورت اتخاذ تدابیر و سیاستهای مثبت اقتصادی می تواند به عنوان یکی از مهمترین ارکان توسعه اقتصادی منطقه آذربایجان به شمار آید.

در نتیجه گیری از این مبحث قابل ذکر است که منطقه آذربایجان با عنایت به موقعیت خاص جغرافیایی، طبیعی، ژئوپولتیکی و غیره نتوانسته است از پتانسیل های موجود بهره مندیهای لازم را بنا به دلایل مختلف سیاسی، اقتصادی، عدم سرمایه گذاری متناسب با پتانسیل های واقعی این منطقه و عدم مدیریت صحیح و غیره ببرد. لذا جا دارد با شناسایی ارکانهای مختلف توسعه پذیری این منطقه، گامهای ارزنده ای جهت نیل به توسعه اقتصادی و همه جانبه آذربایجان برداشته شود و راهکارهای لازم مبنی بر توسعه آذربایجان با نهایت دقت مورد بررسی و تحقیق قرارگیرد. به نظر نگارنده برخی از راهکارهای لازم جهت نیل به توسعه اقتصادی و همه جانبه آذربایجان عبارتند از:

۱. در سطح ملی و کشوری، سیاست برنامه ریزی متمرکز و تمرکزگرائی و پولاریزاسیون و غیره حاکم بر جو کشور از میان برداشته شود و همگام با توسعه پایتخت و سایر مناطق، اجازه و فرصت توسعه با توجه به پتانسیل های سرشار اقتصادی آذربایجان، به این منطقه از کشور داده شود.

۲. دلسوزی و پشتکار و احساس مسئولیت هرچه بیشتر مسئولان اجرایی و ذیربط منطقه آذربایجان به جهت اخذ اعتبار و بودجه جهت سرمایه گذاری و استقرار صنایع مورد نیاز و منطبق با شرایط آذربایجان.

۳. با عنایت به اینکه موقعیت های مساعد جغرافیائی منطقه آذربایجان، امکان فعالیت های کشاورزی، دامپروری، صید ماهی، پرورش ماهی و زنبور عسل و غیره را بخشیده است، لازم است با سیاستگذاریهای صحیح اقتصادی، متناسب با نوع فعالیت های موجود در سطح منطقه، صنایع جنبی و تبدیلی مورد نیاز این نوع فعالیت ها از قبیل کارخانه های چغندر قند، پنبه پاک کنی، سیلو، آرد سازی، کمپوت سازی، کنسانتره، آبمیوه، صنایع غذایی و بسته بندی محصولات غذایی، صنایع لبنی و پاستوریزه، سردخانه های استاندارد، کشتارگاه های صنعتی، موسسات جوجه کشی و همچنین گاوداریهای صنعتی، و ایجاد مجتمع های کشت و صنعت در نقاط مستعد آذربایجان در سر لوحه سیاستهای اقتصادی منطقه آذربایجان قرار بگیرد.

۴. با توجه به وجود منابع آبی و رودخانه های پر آب موجود در سطح منطقه لازم است مطالعات و تحقیقات هرچه بیشتر جهت احداث سدهای خاکی، بتونی و همچنین کانالهای بتونی صورت گیرد و از اتلاف منابع آبی جلوگیری شود و با پمپاژ آب سدها به اراضی دیمی پیرامونی سدها، سطح و راندمان تولید افزایش یابد.

۵. استفاده از نیروی آب موجود در سدها جهت تولید انرژی الکتریسیته و تقویت فشار خطوط برق منطقه ای آذربایجان و در صورت مازاد، اقدام به صدور آن به کشور های همسایه همچون (جمهوری آذربایجان، نخجوان)

۶. اتخاذ سیاستگذاری های صحیح اقتصادی، از طرف وزارت جهاد کشاورزی و بازرگانی، جهت بازاریابی و همچنین ارائه تسهیلات جهت صدور فرآورده های کشاورزی، دامی (پوست دباغی شده) به خارج از کشور.

۷. بیمه محصولات کشاورزی و تضمین جبران خسارتهای ناشی از عوارض طبیعی (خشکسالی - آفت و ...) از طرف دولت.

۸. بهره‌گیری از تکنولوژی مدرن و ماشین‌آلات کشاورزی و غیره جهت کشت و زرع (کشت مکانیزاسیون) و ارائه وام و اعتبارهای کشاورزی بلاعوض و بلندمدت به کشاورزان جهت ترغیب کشاورزان منطقه آذربایجان.

۹. دقت و بررسی‌های کارشناسانه در تعیین نوع بذر (اصلاح بذر)، سم، کود و غیره و همچنین میزان کشت و نوع کشت محصولات به طبع نیاز بازارهای داخلی و خارجی و دقت در بسته‌بندی فرآورده‌های کشاورزی جهت صدور به خارج از کشور.

۱۰. مطالعه و تحقیق در جهت ایجاد مجتمع‌هایی با عنوان کشت و صنعت در دشت سولدوز (نقده) و همچنین شهرهای میاندوآب، ارومیه با توجه به قابلیت‌های ویژه این شهرها.

۱۱. نگرش و بهادادن بیش از حد دولت به بخش کشاورزی به لحاظ اهرم و محور اصلی خودکفایی و ثبات استقلال اقتصادی و سیاسی و غیره.

۱۲. حمایت از فعالیت‌های تولیدی منطقه آذربایجان (گاوداریها، مرغداریها و ...).

۱۳. حمایت از عشایر به عنوان مهمترین رکن از ارکان دامپروری و تولیدکننده مواد گوشتی، لبنی، پشمی و غیره.

۱۴. احداث جاده‌های ارتباطی مناسب ما بین نقاط روستایی و شهری و همچنین مراکز شهری با همدیگر جهت داد و ستد اقتصادی که راهها و جاده‌های ارتباطی به عنوان یکی از زیربنایی‌ترین محورهای توسعه اقتصادی هر منطقه ای محسوب می‌گردند.

۱۵. اعطای اعتبار از طرف وزارت راه و ترابری به منطقه آذربایجان جهت بالا بردن سطح کیفیتی جاده های ترانزیتی، و جاده های ارتباطی و اتوبان نمودن جاده سنتو به لحاظ اهمیت ویژه این جاده.

۱۶. احداث راه آهن و گسترش راه آهن سراسری به تمام نقاط آذربایجان به لحاظ حمل مسافر و کالاهای ترانزیتی و ضریب ایمنی راه آهن و غیره.

۱۷. تلاش برای بین المللی نمودن فرودگاههای اورمیه و تبریز با توجه به قرار گرفتن استان آذربایجان غربی در مسیر یکی از شاهراههای هوایی جهان و عنایت به بعد مسافت آذربایجان جهت استقرار پرواز های داخلی و خارجی جهت حمل مسافر و کالا به مقصد کشورهای اروپای شرقی و غربی، ترکیه، قفقاز، روسیه و همچنین اماکن زیارتی از قبیل سوریه، کربلا، جده (مکه و مدینه) در عربستان و غیره.

۱۸. مطالعه و تحقیق در جهت احداث فرودگاه در شهر هایی به مانند میاندوآب، نرده، ماکو و گسترش پروازهای خطوط هوایی موجود در سطح منطقه آذربایجان.

۱۹. پیگیری و تلاش در جهت هرچه سریعتر به پایان رساندن پروژه عظیم و مهم جاده شهید کلانتری که با کاهش دادن مسافت مابین آذربایجان غربی و آذربایجان شرقی، از هر جهت توسعه آذربایجان را تحت الشعاع خود قرار خواهد داد.

۲۰. مطالعات و اکتشافات زمین شناسی از طرف سازمان زمین شناسی و همچنین صنایع و معادن جهت بررسی و اکتشاف معادن ناشناخته موجود در سطح منطقه آذربایجان.

۲۱. اعطای وام تسهیلات از طرف وزارت صنایع و معادن جهت سرمایه گذاری و استقرار صنایع منطبق با مواد خام موجود در منطقه، از قبیل صنایع و کارخانه های استحصال فلزات با توجه به غنی بودن منطقه از

معادن مس، آهن، جیوه، طلا و همچنین سایر کارخانه های سنگبری منطبق با معادن از قبیل مرمر، گرانیت و ... و احداث کارخانه های گچ در شهر های ماکو، اورمیه و همچنین کارخانه های سیمان.

۲۲. توسعه و تکمیل تمام پروژه های ناتمام موجود در سطح منطقه آذربایجان.

۲۳. توسعه و تکمیل پروژه های گازرسانی، مخابرات، آب رسانی و ... به تمام نقاط منطقه آذربایجان.

۲۴. تلاش در توسعه و تکمیل هرچه سریعتر نیروگاه حرارتی بناب با توجه به اهمیت ویژه آن.

۲۵. تلاش در به حداقل رساندن تبعیض های اجتماعی و اقتصادی (فاصله طبقاتی) و همچنین اختلاف سطح در آمد مابین مناطق مختلف کشور.

۲۶. ایجاد زمینه های اشتغال زائی با توجه به کثرت فارغ التحصیلان بیکار دانشگاهی در منطقه آذربایجان.

۲۷. توسعه فعالیتهای خدماتی و اجتماعی از قبیل موسسات آموزشی و عالی، بهداشتی و درمانی، توریستی، فرهنگی، هنری و ...

۲۸. تلاش در جهت انبوه سازی مسکن (آپارتمان سازی) به جهت جلوگیری از به هدر رفتن اراضی حاصلخیز کشاورزی و همچنین در نظر گرفتن هرم سنی منطقه آذربایجان و جوان بودن ساختار سنی منطقه و احتیاج زوجهای جوان به مسکن به عنوان ضروریات نیازهای اولیه بشری.

۲۹. عنایت به موقعیت منطقه آذربایجان به لحاظ همجواری با دو عضو فعال سازمان همکاریهای بین المللی اقتصادی اکو (ECO) همچون (جمهوری آذربایجان و ترکیه) و همچنین مشترکات فرهنگی - دینی منطقه آذربایجان با ۶ جمهوری ترک زبان اکو (ECO) و واقع بودن در منطقه ای که بخش مهمی از کالاهای آسیای مرکزی از آن ترانزیت می گردد. لذا در صورت بهادادن به این امر بسیار مهم و در صورت توسعه

سریع شبکه های حمل و نقل جاده ای و راه آهن در منطقه آذربایجان، این امر موجب افزایش حجم تجارت ترانزیت کالا به کشور های اکو از منطقه آذربایجان خواهد گردید و در واقع به توسعه و رونق اقتصادی منطقه آذربایجان تأثیر به سزایی خواهد بخشید. همچنین با توجه به ویژگیهای فرهنگی مشترک منطقه آذربایجان با اکثر کشورهای عضو اکو، شهر تبریز می تواند نامزد میزبانی موسسه فرهنگی اکو مطرح گردد و مراکز آموزشی، علمی و فرهنگی منطقه آذربایجان می توانند پذیرای مردم کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز باشند.

۳۰. عنایت به موقعیت خاص و منحصر به فرد منطقه آذربایجان جهت ایجاد بازارچه های مرزی در تلاقی مرزها با کشورهای همسایه در شهر های نوار مرزی (ماکو، خوی، پلدشت، جلفا، تهرچین، اشنویه، سردشت، بیله سوار و غیره).

۳۱. ارائه تسهیلات و خدمات مورد نیاز صنعت گردشگری از قبیل ساخت هتل، کمپ، پلاژ، اردوگاههای توریستی و غیره در سواحل دریاچه اورمیه و آبگرم های معدنی و... و همچنین در جوار اماکن باستانی منطقه از قبیل (تپه حسنلو - تخت سلیمان و...).

۳۲. اشاعه و ترویج فرهنگ توریست پذیری و تشریح اثرات مثبت اقتصادی آن و اقدام در جهت مرمت آثار باستانی نظیر قلعه های تاریخی، مساجد و بازارهای قدیمی و...).

۳۳. حمایت سازمان صنایع دستی از صنایع دستی موجود در سطح منطقه آذربایجان با توجه به ارزش صادراتی برخی از کالاهای تولیدی همچون (فرش صادراتی تبریز، تکاب و...) به جهت ارز آور بودن این صنعت و ارائه تسهیلات و اعتبارات جهت گسترش فعالیتهای مرتبط با صنایع دستی و همچنین عنایت به اشتغال زا بودن این بخش و ارزش صادراتی و ارز آور بودن این صنعت.

۳۴. تلاش در جهت به حداقل رساندن خسارتهای ناشی از جبر محیطی (سیل، زلزله و . . .) با احداث کانالهایی در کنار رودخانه های پر آب به هنگام طغیان رودخانه ها در فصول بارندگی جهت تغییر مسیر قسمتی از آبهای مازاد و هدایت آن به سوی سدها و ذخیره آن و همچنین مقاوم سازی ساختمان ها و دقت در تعیین نوع استفاده از مصالح و جنس مصالح ساختمانی و غیره با توجه به قرار گیری منطقه آذربایجان در کمربند زلزله و وجود سابقه تاریخی زلزله های مخرب و ویرانگر در منطقه آذربایجان همچون شهر های تبریز، سلماس، اردبیل و . . .

در خاتمه اینکه آذربایجان دارای قابلیت های اقتصادی بالایی بوده و هست. لازم است تغییرات اساسی در ساختار سیاستهای اقتصادی کشور انجام گیرد و از قابلیت های اقتصادی آذربایجان متناسب با جایگاه آذربایجان استفاده بهینه به عمل آمده و سرمایه گذاریهای لازم متناسب با جایگاه ویژه آذربایجان صورت بگیرد.